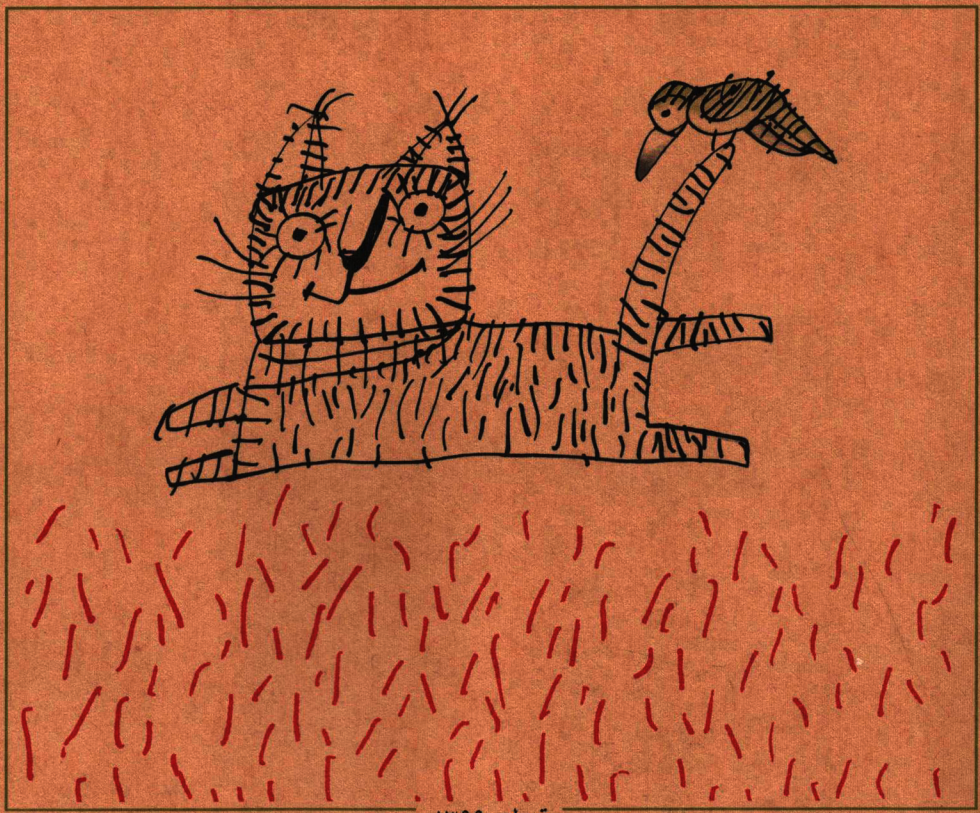


# کتابخانه و پرندگان

کامبیز درم بخش



تهران، ۱۳۹۹



## دعوت به فهم یک لحظه

۱

سال‌ها پیش در میان ورق زدن مجلات، همیشه تصاویری با یک امضای صمیمی به اسم «کامبیز» توجهم را جلب می‌کرد و مباحث جدیدی را در ذهنم بیدار می‌کرد؛ مثل کتاب، درخت، محیط زیست و از این قبیل که پیش‌تر ندیده بودم کسی به‌شان توجه کند. آقایی به نام کامبیز برای من سمبلی از یک نگاه دیگر شده بود.

انقلاب شد، مجلات تعطیل شدند و او را گم کردم. ده سال بعد، پس از پایان جنگ به آلمان رفتم. در مرکز شهر راه می‌رفتم که ناگهان با پوستری برای یک نمایشگاه با موضوع مهاجرت روبه‌رو شدم. بعد از سال‌ها این زبان صمیمی را که دوستش داشتم و گمش کرده بودم پیدا کردم. خودش بود، امضا همان امضای «کامبیز» بود. در آن‌جا هم نگاه مردم را به نکات ظریف و بسیار عمیقی جلب می‌کرد. ورودی نمایشگاه را پیدا کردم و دیدم باز هم مبحث جدیدی را پیش کشیده است. درد مهاجرت! ده سال بعد، یکی از دوستان مشترک‌مان تماس گرفت و گفت «تو که این همه مشتاق کارهای کامبیز هستی، خواستم مزه بدهم که کامبیز ایران است!» با محبت او آقای کامبیز درم‌بخش را ملاقات کردم. ایشان داستان زندگی‌شان را این‌طور شروع کردند که «جابه‌جا کردن یک چرخ‌دستی زندگی من در آلمان را تغییر داد.» این داستان برای من طنز عجیبی داشت. درم‌بخش استاد ساختن لحظه‌های عمیق حتی از دردهای بزرگ زندگی است.

۲

کامبیز درم‌بخش هنرمندی است که همواره تلاش کرده توجه مخاطب را به نکته‌های جدید، جالب و منحصر به فرد جلب کند و بیننده را به زوایا و گوشه‌هایی از فرهنگ، اجتماع، موسیقی، تاریخ و کتاب



